

ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس)

علی شکور: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران
علی زنگی‌آبادی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
فضل اله کریمی قطب‌آبادی^۱: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

چکیده

حکومت‌ها برای اداره قلمرو سرزمین خود ناگزیرند که کشور را به واحدهای اداری کوچک‌تر تقسیم کنند، تا بتوانند در زمینه اعمال حاکمیت، ارائه خدمات و ایجاد سرمایه اجتماعی مؤثر، به ایفای نقش بپردازند. هرچند تقسیمات کشوری به منظور تمرکززدایی، ضرورتی انکارناپذیر برای بیشتر کشورها است، اما هدف‌گذاری منطقی برای تقسیمات کشوری مهم‌تر از هر مسئله‌ی دیگر است؛ زیرا هر نوع تقسیم سیاسی سرزمین باید با هدف پایدار، غیرقابل دگرگون و دائمی دولت-کشور که بقای ملی است، سازگاری داشته باشد. بقای ملی خود در گرو امنیت ملی است که به واسطه دسترسی مناسب ساکنان به خدمات و امکانات امکان پذیر می‌شود. از این‌رو نظام تقسیمات کشوری باید به گونه‌ای کارآمد عمل نماید که کمترین تنش و بیشترین هماهنگی و همکاری متقابل را در درون مناطق و بین مناطق همجوار به وجود آورد. هدف از این مقاله بررسی و تحلیل دلایل و ضرورت‌های تقسیم استان فارس می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکردی توسعه‌ای می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی گردآوری شده است. در این مقاله ابتدا ضمن معرفی وضعیت موجود تقسیمات سیاسی در استان فارس، به ذکر مشکلاتی که امروزه استان فارس در بخش‌های مختلف با آن روبرو می‌باشند، پرداخته خواهد شد و سپس به معرفی مدل تقسیم استان فارس و مراحل اجرای آن اشاره خواهد شد. از نتایج این تحقیق می‌توان به مسائل و مشکلاتی مانند وسعت زیاد استان فارس، گسترش افقی استان فارس، نامناسب بودن شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان‌های استان فارس، تعداد زیاد شهرستان، نامناسب بودن وضعیت راه‌های ارتباطی و ... اشاره نمود که این مسائل زمینه تقسیم استان فارس را ضروری نموده است. لذا با انتخاب شهر جهرم به دلیل دارا بودن شرایط مناسب به عنوان مرکزیت سیاسی-اداری دوم در این استان، زمینه انجام تقسیم استان فارس هموارتر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تقسیمات کشوری، سازماندهی سیاسی فضا، مرکزیت سیاسی - اداری، شاخص مرکزیت، فارس.

^۱ . نویسنده مسئول: Fkarimi08@gmail.com, ۰۹۱۷۸۸۸۰۹۲۷

بیان مسأله:

ساختار درونی حکومت از لحاظ تنظیم و تقسیم امور قدرت، یکی از مهم ترین ارکان اداری محسوب می شود. تقسیم قدرت بین مرکز و نواحی پیرامون و ناحیه بندی سیاسی درون کشور نتیجه تفکر و اندیشه نظام سیاسی هر کشور است. قدرت حکومت به صورت افقی بر سرزمین جریان پیدا می کند؛ به همین سبب عامل اصلی توجه به ساختار حکومت و چگونگی توزیع قدرت، فضایی - جغرافیایی است. به عقیده راتزل، شکل گیری هر ملتی محصول پیوند عاطفی با سرزمین است. به این دلیل هر ملتی علاقمند است که در قلمرو سرزمینی خود احساس یگانگی و وابستگی به سرزمین مادری خود را با تمام وجود احساس کند. در این صورت در مواقع خطر از آن دفاع می کند و در حفظ و حراست آن می کوشد (Gottmann, 1976: 21).

حکومت ها برای اداره قلمرو سرزمین خود ناگزیرند که کشور را به واحدهای اداری کوچک تر تقسیم کنند تا بتوانند در زمینه اعمال حاکمیت و ارائه خدمت و ایجاد سرمایه اجتماعی مؤثر به ایفای نقش پردازند. تقسیمات داخلی از اهم مسائلی است که حکومت ها همیشه به صورت های مختلفی به آنها توجه می نموده اند و اعتبار سلسله های حکومتی و جایگاه آنها در گرو میزان توفیق آنها در اداره سرزمین بوده است (Keith, 1993: 11). تمامی حکومت ها برای انجام برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی و بهره برداری بهتر به این امر توجه می کنند؛ زیرا اگر تقسیمات درست شکل نگیرد هر گونه برنامه ریزی منطقه ای و محلی ناموفق بوده و در سطوح مختلف منجر به نارسایی هایی خواهد شد. در واقع اهمیت مدیریت بر فضاهای داخلی کشور تا به آن حد می باشد که غالباً سیستم های حکومتی با نوع سازماندهی سیاسی فضا، چارچوب فعالیت خود را بر فضای داخلی تحت عناوین بسیط، متمرکز، فدرال و الگوهای محلی اعمال می کنند (Newman, 1998: 76).

کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه تمام نظام های سیاسی می باشد، عبارت است از تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین ترین سطح سیاسی. این کارکرد در سطوح مختلف در پهنه سرزمین، پیوسته به عنوان هدف غایی در نظام برنامه ریزی ایران مورد عنایت بوده است؛ چرا که شاخص هایی از قبیل دسترسی مناسب سکنه در واحد سیاسی به خدمات و تقویت روحیه مشکلات عمومی می تواند به ایجاد فضایی امن برای ساکنین نواحی و گسترش حاکمیت دولت منجر شود. از این رو نظام تقسیمات کشوری باید به گونه ای کارآمد عمل نماید که کمترین تنش و بیشترین هماهنگی و همکاری متقابل را در درون مناطق و بین مناطق همجوار بوجود آورد (احمدی پور، ۱۳۸۰: ۵۵۷). تصمیم گیری برای تقسیم یک استان از نوع فرآیندهای تصمیم گیری عمومی است که متأثر از خط مشی های جاری در کشور انجام گیرد. این تصمیم گیری می تواند نوعی خط مشی گذاری ثانویه برای سایر موارد مشابه در سطح کشور باشد. اگرچه به ظاهر با روش عقلایی و بر اساس یک سیستم مشخص انجام می گیرد، اما سوابق مطالعات و نظریات ارائه شده نشان می دهد که تأثیر عواملی چون صاحبان قدرت، نخبگان، گروه های نفوذ، سازمان های بورکراتیک و اهداف آنها در فرآیند این نوع تصمیم گیری ها مؤثر واقع شده و در نتایج و انتخاب های آن تغییر ایجاد می کنند (اخباری و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۸).

تغییراتی که در مرزبندی‌های سیاسی داخلی کشور یا تقسیمات اداری جنبه سیاسی داشته است، در ارتباط با عوامل کمی و برای انجام اداره کشور و رساندن سرویس و خدمات و بالاخره ایجاد تعادل در سازماندهی فضایی آینده کشور انجام گرفته است (رهنمایی، ۱۳۸۷: ۵۴). استان فارس نیز همانند دیگر مناطق ایران در زمینه تقسیمات کشوری، تاریخی پر نشیب و فراز را پشت سر گذاشته است. این استان در حال حاضر با دارا بودن ۲۹ شهرستان در بین استان های ایران، رتبه اول را دارا می‌باشد. وجود مشکلات و مسائل متعددی که این استان در بخش های مختلف با آن روبرو می باشد، زمینه تقسیم آن را به صورت یک طرح و برنامه مطرح نموده است. در این مقاله، ضمن معرفی مسائل و مشکلاتی که این استان در بخش های مختلف با آن روبرو می باشد، به طرح مدل تقسیم استان فارس و چگونگی فرآیند این تقسیم پرداخته خواهد شد. این تحقیق اهداف زیر را دنبال می کند:

۱- شناخت وضع موجود تقسیمات سیاسی در سطح استان فارس

۲- شناسایی عوامل تأثیرگذار در فرآیند تقسیم استان فارس

۳- ارائه مدل پیشنهادی تقسیم استان فارس

مفاهیم و مبانی نظری:

سازماندهی سیاسی فضا: فضا و مردم ساکن در محدوده یک کشور، قلمرو فرمانروایی نظام سیاسی و حکومت آن سرزمین را تشکیل می دهند. در درون واحدهای سیاسی در سطح کشور مستقل، به منظور تسهیل در اداره امور و ایجاد حداکثر کارایی در خدمات رسانی و با توجه به ضروریات سیاسی، تاریخی، فرهنگی و وابستگی‌های عاطفی منطقه‌ای تقسیماتی صورت می گیرد؛ که به نام تقسیمات اداری- سیاسی کشوری خوانده می شود (میرحیدر، ۱۳۷۴: ۶). دولت ها به دلیل سازماندهی سیاسی فضا در توسعه کشورهای خود نسبت به تقسیم فضای درونی سرزمین خود به شکل مناسب و بهینه جدیت خاصی دارند. معمولاً این تقسیم بندی مبتنی بر نزدیکی های قومی، نژادی، مذهبی و تاریخی، طبیعی و غیره است. تقسیمات اداری بسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی و نوع حکومت هر کشور، با اسامی و اختیارات متفاوت تعیین می شود، حال آن که هر یک از واحدهای به دست آمده از تقسیم کل کشور می توانند از درجه سیاسی خاصی برخوردار باشند (استان، شهرستان، بخش و دهستان). حتی ممکن است دو یا سه واحد طبیعی تشکیل یک واحد سیاسی بدهند و برعکس (بدیعی، ۱۳۸۰: ۲۰۵).

ضرورت عمده تقسیمات کشوری: سازمان دهی سیاسی فضا در هر کشور یا واحد جغرافیای سیاسی از فرآیندی پویا و مستمر تبعیت می کند. ضرورت ها و نیروهایی که در جریان توسعه ملی جوامع بشری تولید می شوند، به طور دائم ساختارهای سیاسی - فضایی موجود را به چالش می کشند و آنها را وادار به انعطاف، اصلاح یا دگرگونی می کنند (حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۲۶). بنابراین حکومت ها ناگزیر از اعمال تغییرات مداوم در الگوهای سیاسی - فضایی کشور برای دستیابی به هدف‌های تعریف شده خود در عرصه سیاست داخلی و نیز عمل به وظایف و تعهدات خود در برابر ملت و سرزمین هستند (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۴۰۱). در واقع تقسیمات کشوری از اهم مسائلی است که یک کشور در حال رشد برای انجام برنامه ریزی های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اداری بهتر و بهره برداری بیشتر باید به آن توجه کند (Dikshit, 1995: 199). هر چند تقسیمات کشوری به منظور تمرکز زدایی، ضرورتی انکارناپذیر و ماهوی برای بیشتر کشورها است، اما هدف گذاری منطقی برای تقسیمات کشوری واجب تر و مهم تر از هر مسئله

دیگر است؛ زیرا هر نوع تقسیم سیاسی سرزمین باید با هدف پایدار و غیرقابل دگرگونی و دائمی دولت-کشور که بقای ملی است، سازگاری داشته باشد. بقای ملی خود در گرو امنیت ملی است که به واسطه دسترسی مناسب ساکنان به خدمات و امکانات امکان پذیر می‌شود (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۲۸).

مؤلفه‌های اصلی تقسیمات کشوری: اگرچه مؤلفه‌ها و مسائل مرتبط با تقسیمات کشوری در ایران بنابه مقتضیات اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی و امنیتی و ... زیاد است، اما با مطالعه و ارزیابی دقیق شاخص اصلی در تقسیمات کشوری به چهار مؤلفه متداول که نقش اساسی دارد، اشاره می‌نماییم:

۱- مؤلفه جمعیت: گرایش مسلط در الگوی تقسیماتی موجود ایران به سمت پارامتر جمعیت بوده است که گاهی اوقات با عامل سیاسی همراه شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۹۶).

۲- مؤلفه وسعت و قلمرو: قلمروها تعیین کننده مرکزیت‌ها و محدوده‌های واحدهای تقسیمات سیاسی بوده‌اند و از این نظر اهمیت دارند که حوزه نفوذ و تقابل نمایندگان سیاسی را در جغرافیای خاص نشان می‌دهند.

۳- همگنی جامعه در قانون تقسیمات کشوری: همگنی یک جامعه تحت عنوان اشتراکات اجتماعی، فرهنگی، قومی و سرزمینی تعریف شده است.

۴- مؤلفه دسترسی و فاصله: توزیع خدمات در درون یک جامعه همگی معمولاً براساس مرکزیت هندسی‌های تقاطعی در نظر گرفته می‌شود که مردم دسترسی بیشتری بر آن داشته باشند. این نقاط برتر تحت عنوان مرکز بخش یا استان شناخته می‌شود (احمدی پور، ۱۳۸۰: ۸۱).

پیشینه تحقیق:

- احمدی پور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای که تحت عنوان «نقش جغرافیای قدرت و حمایت در شکل‌گیری مرزهای جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی» به نگرارش درآورده‌اند، در بخشی از مقاله خود به این نتیجه رسیده‌اند که در تغییرات سیاسی سلسله مراتب اداری و سطوح تقسیماتی ایران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ائمه جماعات و استانداران را می‌توان به عنوان نیروها و عوامل موجود در جغرافیای قدرت، حرکات و جنبش‌های محلی و منطقه‌ای دانست که بیشتری تأثیر را در تقسیمات سیاسی ایران در چند دهه گذشته داشته‌اند. به عنوان نمونه در سال ۱۳۸۲ از تعداد ۲۸۲ تقاضا که در برنامه تقسیمات سیاسی به وزارت کشور ارسال شده است، ۸۶ مورد آن به وسیله ائمه جمعه و ۱۷۱ مورد آن توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح شده است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱).

- احمدی پور و منصوریان (۱۳۸۵) در مقاله‌ای که تحت عنوان «تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵)» به نگرارش در آورده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که اتخاذ مشی اقتدارگرایانه رضاخان که در جهت عکس اقتدار قانون اساسی تحقق یافته بود، باعث شد که گرایش‌های فرهنگی تقویت شوند و با فروپاشی استبداد اول و دوم به شکل فعال و متراکم درآیند. رهنما و احمدی پور (۱۳۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «درجه بندی نظام تقسیمات کشوری»، به این نتیجه رسیده‌اند که از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۸۰ روند تغییر در واحدهای سیاسی در سطح کشور رو به افزایش بوده است و این روند همچنان تمایل سیری ناپذیری دارد. همچنین در طول این مدت ساختار تشکیلات دولت نیز بزرگ‌تر شده است. بنابراین درجه بندی سطوح تقسیمات کشوری به ویژه در سطح بخش و شهرستان، راه حل

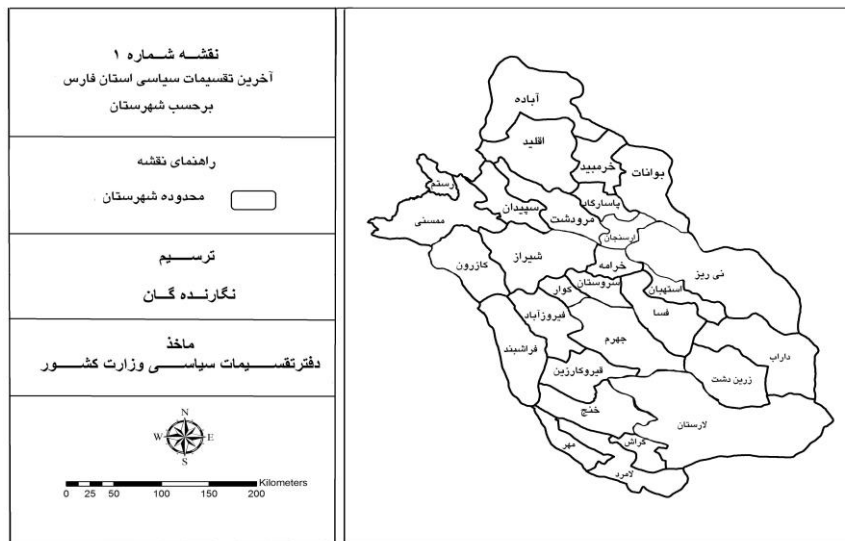
جלוگیری از قطعه قطعه و کوچک شدن سرزمین و افزایش نیروی انسانی دولت است (رهنما و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۸-۳۵).

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد توسعه‌ای می‌باشد و اطلاعات مورد نیاز از مراکز آماری معتبر مانند کتابخانه استانداری فارس، سالنامه‌های آماری و مراجعه به سازمان‌ها و ادارات کل در سطح استان فارس گردآوری شده است. در ابتدا پس از جمع‌آوری اطلاعات پایه و مورد نیاز از مراکز ذکر شده و تحلیل و بررسی آنها، به ذکر مسائل و مشکلاتی که استان فارس امروز در بخش‌های مختلف با آن روبرو می‌باشد، پرداخته می‌شود و سپس به طرح مدل تقسیم استان فارس و فرآیند چگونگی آن اقدام خواهد شد. در نهایت به ارائه پیشنهادات و راهکارهای مناسب در جهت حل مسائل و مشکلات مطرح شده اقدام خواهد شد.

محدوده مورد مطالعه:

محدوده پژوهش، استان فارس می‌باشد. این استان در آخرین تقسیمات سیاسی خود دارای ۲۹ شهرستان، ۹۴ شهر، ۸۳ بخش و ۲۰۴ دهستان می‌باشد (استانداری فارس، ۱۳۹۱: ۱۶). نام شهرستان‌های استان فارس در جدول شماره ۱ ذکر شده است. (شکل شماره ۱).



یافته‌های تحقیق:

تقسیم استان فارس از موضوعات بسیار مهمی می‌باشد که همواره مورد توجه محافل سیاسی و اجتماعی این استان بوده است. بنابراین با توجه به حساسیت این موضوع در این مقاله سعی می‌شود که این مسئله را از دو بعد کلی مورد بررسی قرار دهیم. اولین بعد، دلایلی که باعث می‌شود تقسیم استان فارس به صورت یک ضرورت مطرح شود و از بعد دوم ارائه مدل پیشنهادی تقسیم استان فارس می‌باشد که این مدل در ۴ مرحله کلی تعریف شده است که به آن پرداخته خواهد شد. در ارتباط با دلایل و ضرورت‌های تقسیم استان فارس می‌توان موارد متعددی را ذکر کرد که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

وسعت زیاد استان فارس:

استان فارس به مساحت تقریبی ۱۲۲۶۰۸ کیلومتر مربع، ۷/۴ درصد از وسعت کشور ایران را به خود اختصاص داده است. این استان از نظر وسعت بعد از استان های کرمان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی رتبه پنجم را در بین استان های ایران داراست (معاونت برنامه ریزی استانداری فارس، ۱۳۸۸: ۱۴). در بررسی عامل وسعت، این نکته را می توان یادآور شد که همواره مناطق وسیع با مسائل و مشکلات متعدد در اداره امور خود روبرو می باشند. گرچه استان فارس با دارا بودن وسعت زیاد از تنوع خاصی در مسائل و منابع طبیعی برخوردار است و این منابع می تواند زمینه توسعه یافتگی استان را در بخش های مختلف فراهم نماید، اما به علت وسعت زیاد، مناطق دور دست و پیرامون به لحاظ دوری از مرکز استان نتوانسته اند به جایگاه واقعی خود دست یابند و همواره از حمایت و نظارت مرکز استان بهره ناچیزی برده اند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴).

گسترده گی تشکیلات اداری در استان فارس:

یکی از مسائلی که امروزه استان فارس با آن مواجه می باشد، گسترده گی تشکیلات اداری و سازمانی می باشد. وجود این تشکیلات اداری و سازمانی جدا از مزایا و محاسنی که دارد، زمینه ساز بسیاری از مسائل و مشکلات شده است؛ به عنوان نمونه توزیع اعتبارات و بودجه از جمله این مسائل می باشد که توزیع آن به صورت ناهماهنگ انجام می گیرد. از طرف دیگر، بعد نظارتی می باشد که نظارت بر این تشکیلات گسترده، به سختی انجام می شود و کیفیت ارائه خدمات به صورت نامناسب انجام می شود و به اصطلاح طرح تکریم ارباب رجوع را به صورت نامناسب دنبال می کند. وجود بیش از ۶۰ اداره آموزش و پرورش، ۱۰۲ شهرداری در حوزه امور شهری و... خودگواهی بر این مسئله می باشد.

پایین بودن شاخص های توسعه در سطح استان:

بر اساس بررسی های انجام گرفته در سال ۱۳۵۵ در زمینه شاخص های تلفیقی توسعه از مجموع ۱۴ شهرستان استان فارس، یک شهرستان برخوردار، ۳ شهرستان نیمه برخوردار و ۱۰ شهرستان محروم می باشند. در سال ۱۳۶۵ در زمینه شاخص های تلفیقی، یک شهرستان برخوردار، ۴ شهرستان نیمه برخوردار و ۹ شهرستان محروم و در سال ۱۳۷۵ این میزان به ۳ شهرستان برخوردار، ۴ شهرستان نیمه برخوردار و ۹ شهرستان محروم رسیده است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴).

با بررسی توزیع جغرافیایی شهرستان ها در استان فارس این نکته برداشت می شود که عموماً یک رابطه معناداری بین دوری از مرکز استان و توسعه نیافتگی وجود دارد؛ بدین معنا که شهرستان هایی که در مناطق دورتر از مرکز استان قرار گرفته اند، همواره از نظر زیرساخت های توسعه وضعیت نامناسبی داشته اند و این مسئله بر روند توسعه یافتگی استان فارس تأثیر گذاشته است؛ به عنوان نمونه شهرستان های لامرد، مهر، ممسنی، رستم، زرین دشت، بوانات و خنج از جمله شهرستان های استان فارس می باشند که به دلیل دوری از مرکز استان، از توسعه یافتگی مناسب برخوردار نمی باشند و بر اساس شاخص های توسعه به عنوان مناطق محروم شناخته شده اند.

تعداد زیاد شهرستان در استان فارس:

بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی وزارت کشور، استان فارس با ۲۹ شهرستان، بیشترین تعداد شهرستان را در بین استان‌های ایران دارا بوده است (www.amar.org). اداره تعداد زیاد شهرستان در سطح این استان با مشکلات خاص همراه است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- شهرستان‌های استان فارس براساس آخرین تقسیمات کشوری

شهرستان	ردیف	شهرستان	ردیف	شهرستان	ردیف
کازرون	۲۱	داراب	۱۱	آباده	۱
کوار	۲۲	رستم	۱۲	ارسنجان	۲
گراش	۲۳	زرین دشت	۱۳	استهبان	۳
لار	۲۴	سپیدان	۱۴	اقلید	۴
لامرد	۲۵	سروستان	۱۵	بوانات	۵
مرودشت	۲۶	شیراز	۱۶	پاسارگاد	۶
ممسنی	۲۷	فراشبند	۱۷	جهرم	۷
مهر	۲۸	فسا	۱۸	خرامه	۸
نی ریز	۲۹	فیروزآباد	۱۹	خرمبید	۹
-	-	قیروکارزین	۲۰	خنج	۱۰

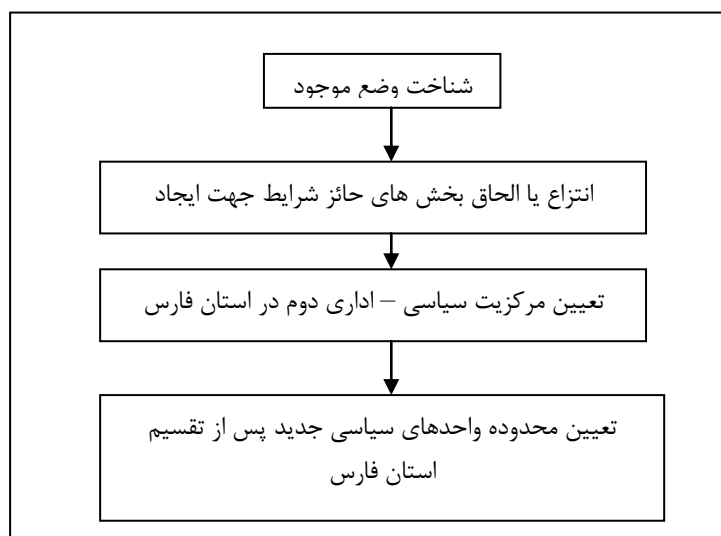
ماخذ: سالنامه آماری استان فارس، ۱۳۹۱:۱۵.

گسترش افقی زیاد استان فارس:

مسافت افقی شهر آباده بر روی زمین تا مرکز استان ۲۸۷ کیلومتر و مسافت شهر لامرد تا مرکز استان ۴۳۰ کیلومتر است. در مجموع فاصله افقی شمالی ترین تا جنوبی ترین مراکز شهرستان در استان فارس بر روی زمین به ۷۱۷ کیلومتر می‌رسد.

مدل تقسیم استان فارس:

مدل تقسیم استان فارس در ۴ مرحله طراحی شده است که ابتدا این مراحل در نمودار شماره ۱ نمایش داده می‌شود و سپس تشریح هر یک از قسمت‌های مدل پرداخته خواهد شد.

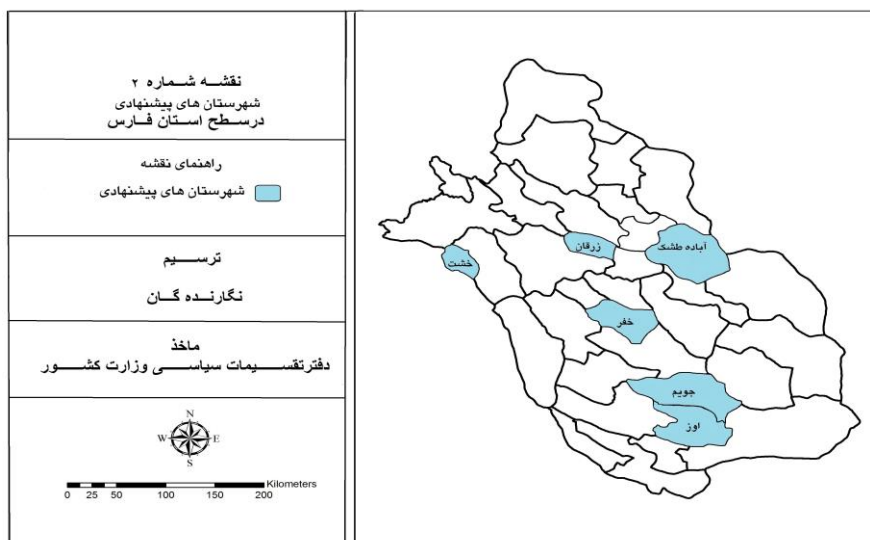


نمودار ۱- مدل پیشنهادی جهت تقسیم استان فارس

انتزاع یا الحاق بخش های حائز شرایط جهت ایجاد واحدهای سیاسی:

دولت بنا بر مقتضیات و شرایط خاص در هر منطقه می تواند نسبت به الحاق و یا انتزاع واحدهای سیاسی اقدام نماید و واحدهای سیاسی جدید را به وجود آورد (ماده ۷ قانون تقسیمات کشوری، ۱۳۶۲). با توجه به شرایط موجود در استان فارس و با بررسی جوانب و شرایط خاص می توان نسبت به ایجاد واحدهای سیاسی جدید در سطح شهرستان اقدام نمود. از جمله تغییراتی که می توان در این حوزه انجام داد:

- بخش آباده طشک در شهرستان نی ریزاز شهرستان مذکور جدا و به واحد سیاسی شهرستان ارتقا یابد.
 - بخش اوز در شهرستان لارستان از این شهرستان جدا و به واحد سیاسی شهرستان ارتقا یابد.
 - بخش های جویم و بنا رویه در شهرستان لارستان از این شهرستان جدا و پس از الحاق به یکدیگر به واحد سیاسی شهرستان ارتقا یابند.
 - بخش خفر در شهرستان جهرم از این شهرستان جدا و به واحد سیاسی شهرستان ارتقا یابد.
 - بخش زرقان در شهرستان شیراز از این شهرستان جدا شده و به واحد سیاسی شهرستان ارتقا یابند.
 - بخش های خشت و کنار تخته در شهرستان کازرون از این شهرستان جدا و پس از الحاق به یکدیگر به واحد سیاسی شهرستان ارتقا یابند.
- با انجام تغییرات ذکر شده در سطح استان فارس، تعداد شهرستان های استان به ۳۵ واحد سیاسی تغییر پیدا می کند. (شکل شماره ۲).



تعیین مرکز سیاسی - اداری دوم در استان فارس:

با توجه به این که شهر شیراز به عنوان مرکز استان فارس در قسمت شمالی استان واقع شده است، برای تعیین مرکزیت سیاسی- اداری دوم در بخش جنوبی استان، باید تعدادی از مراکز شهرستان ها که بهترین شرایط را دارند انتخاب شوند. مرکز استان یکی از شهرهای استان می باشد که مناسب ترین قانون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، طبیعی و اجتماعی آن استان باشد (تبصره ۲ ماده ۹ ضوابط تقسیمات کشوری، ۱۳۶۲). بنابراین با توجه این مسئله، ۳ شهر لار، جهرم و فسا که بهترین شرایط جهت تعیین مرکزیت سیاسی- اداری در جنوب استان فارس دارند، انتخاب شده اند. با لحاظ کردن تعدادی از شاخص

های مورد نظر و با استفاده از شاخص مرکزیت نسبت به انتخاب سکونتگاه مورد نظر اقدام شده است. شاخص هایی که در این مسئله مورد بررسی قرار گرفته اند:

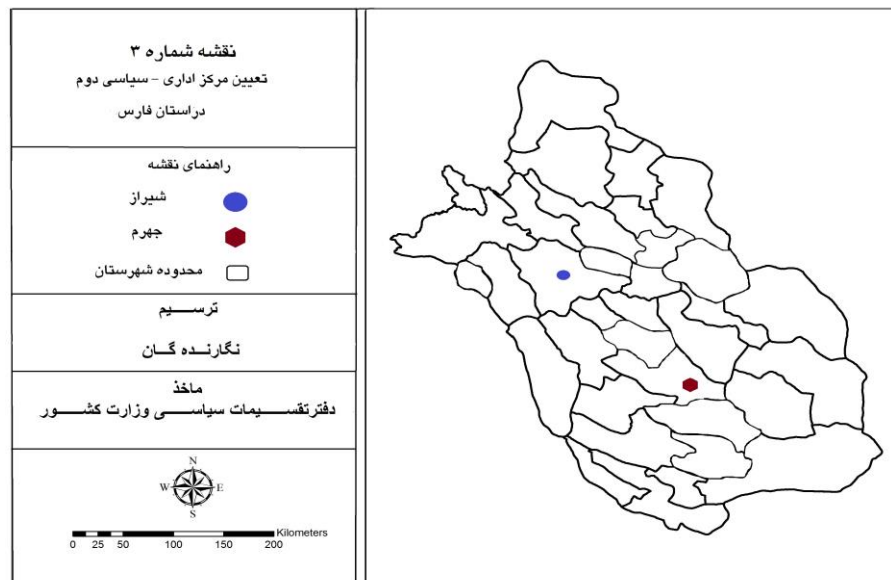
تعداد بانک های دولتی، تعداد مراکز نظامی، تعداد ناوگان تاکسیرانی شهری، تعداد اتوبوس شرکت واحدرون شهری، تعداد بیمارستان، تعداد پزشک متخصص و فوق تخصص، تعداد مراکز آموزش عالی، تعداد نیروی نخبه (فوق لیسانس و دکترا)، جمعیت مرکز شهرستان، تعداد سینما، فرودگاه فعال، پارک عمومی، تلفن منصوبه، کتابخانه عمومی، تعداد کلانتری ها و وسعت حوزه شهر. با استفاده از شاخص های شانزده گانه ذکر شده، جمع مرکزیت هر یک از شهرهای مزبور به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۲- محاسبه شاخص های مرکزیت شهرهای مورد مطالعه

لار	فسا	چهرم
۲۹۳/۷۹	۳۳۵/۸۳	۵۳۹/۶۲

منبع: محاسبات نگارنده گان، ۱۳۹۲.

بنابراین در بین سه سکونتگاه یاد شده، شهر چهرم با دارا بودن شرایط مناسب می تواند به عنوان مرکز سیاسی - اداری دوم در استان فارس مطرح شود. (شکل شماره ۳).



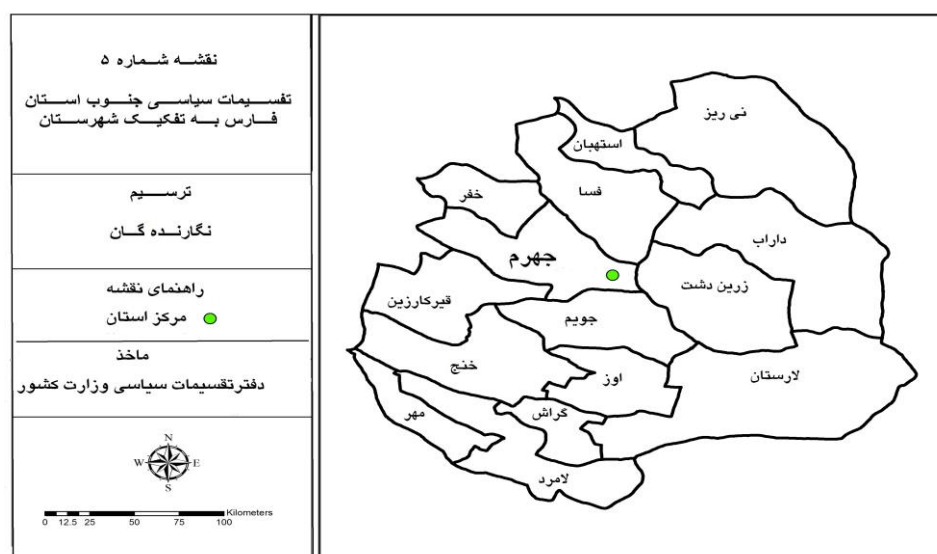
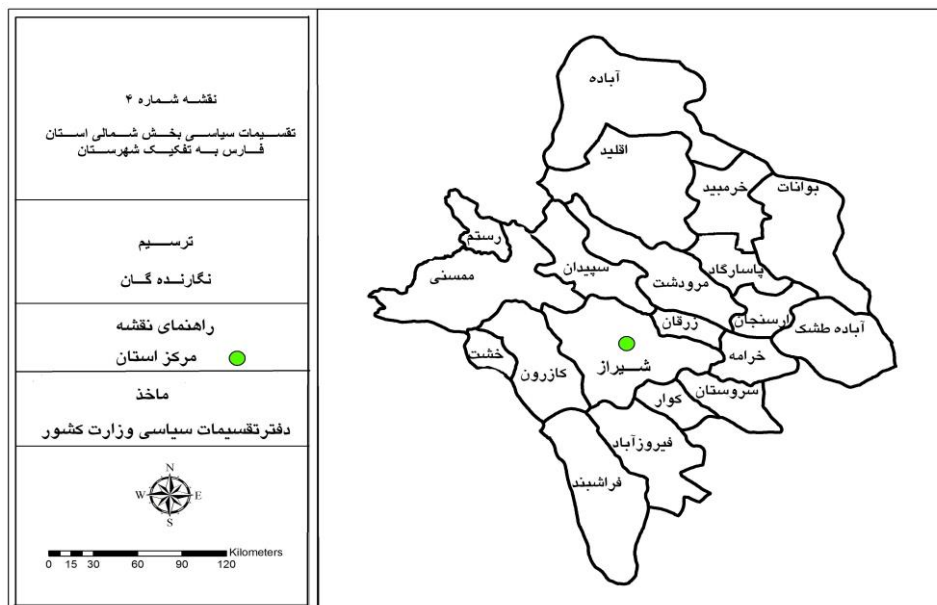
تعیین محدوده واحدهای سیاسی جدید پس از تقسیم استان فارس:

دولت مؤلف است با حفظ جهات سیاسی و اجتماعی، هر شهرستان را به نزدیکترین مرکز استان منضم نماید (ماده ۱۰ قانون تقسیمات کشوری، ۱۳۶۲). در مرحله آخر با توجه به فواصلی که هر یک از مراکز شهرستان ها با شهرهای چهرم و شیراز دارند، تقسیم استان فارس انجام می گیرد. (جدول شماره ۴). (اشکال شماره ۴ و ۵).

جدول ۴- تقسیم بندی شهرستان های فارس برای تشکیل واحدهای سیاسی

شهرستان های تابع مرکزیت شیراز				شهرستان های تابع مرکزیت جهرم			
بوانات	۱۱	فرشبند	۱	خنج	۱۱	جهرم	۱
خرم بید	۱۲	فیروزآباد	۲	قیروکازین	۱۲	نی ریز	۲
مروذشت	۱۳	شیراز	۳	خفر	۱۳	داراب	۳
آباده	۱۴	سروستان	۴	استهبان	۱۴	زرین دشت	۴
اقلید	۱۵	خرامه	۵	فسا	۱۵	لارستان	۵
سپیدان	۱۶	ارسنجان	۶			جویم	۶
کازرون	۱۷	پاسارگاد	۷			اوز	۷
کوار	۱۸	رستم	۸			گراش	۸
زرقان	۱۹	ممسنی	۹			لامرد	۹
خشت	۲۰	آباده طشک	۱۰			مهر	۱۰

منبع: محاسبات نگارنده گان، ۱۳۹۲.



وزارت کشور بنا به ضرورت می‌تواند با تصویب هیأت وزیران با انتزاع و الحاق روستاها، بخش‌ها یا شهرستان‌های مجاور، استان‌ها را تعدیل کند؛ مگر آن که با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد استان جدید ضروری شناخته شود. استان جدید باید حداقل ۱ میلیون نفر جمعیت داشته باشد (تبصره ۱ ماده ۹ قانون تقسیمات کشوری، ۱۳۶۲). براساس جدول شماره ۳ که در آن شهرستان‌های استان فارس برای تشکیل واحد سیاسی (استان) تقسیم شده‌اند، مجموع جمعیت شهرستان‌های ذکر شده که در تابعیت شهر جهرم می‌باشند، قریب ۱/۲ میلیون نفر می‌باشند. بنابراین این بخش از استان فارس شرایط لازم را برای تشکیل واحد سیاسی جدید دارد و در جهت تقسیم آن باید اقدامات لازم انجام گیرد.

نتیجه‌گیری:

در این مقاله به تبیین مسائل و مشکلاتی که امروز استان فارس با آن روبرو می‌باشد، پرداخته شد. مسائلی مانند وسعت زیاد، گسترش افقی استان، تعداد زیاد شهرستان، نامناسب بودن وضعیت ارتباطی، وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان و ... از آن جمله می‌باشد. در نهایت بر اساس مشکلات ذکر شده چنین استلال شد که جهت حل مسائل و مشکلات موجود، تقسیم استان فارس یک ضرورت به حساب آید. بر اساس مدلی که نگارنده گان طراحی نموده‌اند، فرآیند تقسیم استان فارس در ۴ مرحله کلی مورد بررسی قرار گرفت و سپس تقسیم نهایی استان فارس با توجه به گسترش افقی آن، به صورت عرضی انجام گرفت. از ۲۹ شهرستان فعلی و ۶ شهرستان پیشنهادی، به ترتیب ۲۰ شهرستان در بخش شمالی و ۱۵ شهرستان در بخش جنوبی مکان‌یابی شده‌اند. در بخش شمالی شهر شیراز به عنوان مرکز استان و در بخش جنوبی شهر جهرم به دلیل دارا بودن پتانسیل‌های لازم می‌تواند مرکزیت دوم سیاسی-اداری را به عهده بگیرد. پیشنهادهایی در جهت موضوع مورد مطالعه ارائه می‌شود:

- ✓ این مقاله صرفاً یک برنامه پیشنهادی می‌باشد و ضرورت بازنگری آن توسط مسئولین وزارت کشور الزامی می‌باشد.
- ✓ این مقاله صرفاً با دید علمی و بدون هیچ گونه غرض ورزی به مرحله نگارش درآمده است. بنابراین با دیدی نقادانه می‌تواند مورد بازبینی و بررسی قرار گیرد.
- ✓ جهت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در سازمان‌های جدید لازم است که تعدیل نیرو و فرآیند انتقال آن از شهر شیراز انجام گیرد تا بار مالی آن بر دوش دولت کاهش یابد.
- ✓ جهت تسریع در برنامه تقسیمات سیاسی در استان فارس، توسعه حمل و نقل زمینی در بخش‌های جنوبی استان باید سرعت بیشتری به خود بگیرد.
- ✓ زاگرس، فارس جنوبی، بهارستان و جهرم نام‌های پیشنهادی برای واحد سیاسی جدید می‌باشد که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

۱. اخباری، محمد و حسن یداللهی (۱۳۸۴): «فرآیند تصمیم‌گیری تقسیم استان خراسان و اثرات سیاسی و اجتماعی آن»، مجله ژئوپلتیک، سال اول، شماره ۲، تهران، صص ۲۴-۴۲.
۲. احمدی پور، زهرا، قنبری، قاسم و عاطفه عاملی (۱۳۸۸): «تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری (مطالعه موردی: استان فارس)»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال ۵، شماره اول، تهران، صص ۲۹-۴۷.

۳. احمدی پور، زهرا، میرشکاران، یحیی و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۸): «نقش جغرافیای قدرت و حمایت در شکل گیری مرز جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی (سطح شهرستان)»، فصلنامه مدرس، شماره ۱، دوره ۱۳، تهران، صص ۴۱-۲۰.
۴. احمدی پور، زهرا و علیرضا منصوریان (۱۳۸۵): «تقسیمات سیاسی و بی ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵)»، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دوم، شماره ۱، تهران، صص ۹۰-۶۲.
۵. احمدی پور، زهرا و محمدرحیم رهنما (۱۳۸۲): «درجه بندی نظام تقسیمات کشوری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۱، مشهد، صص ۴۸-۳۵.
۶. احمدی پور، زهرا (۱۳۸۰): «پایداری امنیت در بستر تقسیمات کشوری»، همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، تهران.
۷. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸): درجه توسعه یافتگی استان ها و همگرایی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، تهران، صص ۳۹-۲۵.
۸. بدیعی، ربیع (۱۳۸۰): جغرافیای مفصل ایران، جلد دوم، انتشارات اقبال، چاپ سوم، تهران.
۹. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱): جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۰. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹): مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، جلد اول، انتشارات سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، چاپ اول، تهران.
۱۱. حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵): کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، چاپ اول، یزد.
۱۲. رهنما، رحیم (۱۳۸۰): ضرورت بازنگری و اصلاح نظام تقسیمات کشوری. گزارش اول: طرح جامع تقسیمات کشوری، مرحله دوم، وزارت کشور، دفتر تقسیمات سیاسی، تهران.
۱۳. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۷): مجموعه مباحث و روش های شهرسازی (جغرافیا)، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، چاپ چهارم، تهران.
۱۴. زیاری، کرامت اله و اسحاق جلالیان (۱۳۸۷): «مقایسه شهرستان های استان فارس بر اساس شاخص های توسعه ۷۵-۱۳۵۵»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، زاهدان، صص ۹۶-۷۷.
۱۵. وزارت کشور (۱۳۶۲): قانون تقسیمات کشوری، (ماده ۷ و ۹)، تهران.
۱۶. معاونت برنامه ریزی استانداری فارس (۱۳۸۸، ۱۳۹۱): سالنامه آماری استان فارس، شیراز.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ کشور، تهران.
۱۸. میرحیدر، دره (۱۳۷۴): اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، نشر دانشگاه تهران، چاپ ۶، تهران

19. Black well ,mark.(2006),*political Geography new york; Rutledge.*

20. Dikshit R.D(1995), *political geography ; second Edition , TATA ; NAC GRO HILL; publishing New DeLHI*

21. Keith, Michael & pile. (1993), *place and the politics of Identity, New York : Rutledge.*

22. Gottmann.J.(1976)*Evolution of the concept of territory; Social science Information, Vol.. 14. 1976.*

23. Newman.D ,Anssi p.(1998). *Fences and neigh bours in the post modern world Human geography*

24. www.Amar.org.ir.